ویژه

تحریم‌های جدید هسته‌ای آمریکا علیه ایران

مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا در راستای ادعاهای واشنگتن علیه برنامه هسته‌ای ایران و سیاست فشار حداکثری دولت دونالد ترامپ،با اعلام تحریم‌ها علیه سه فرد و یک نهاد ایرانی مدعی شد که این افراد و شرکت یاد شده با «سازمان پژوهش‌ها و نوآوری‌های دفاعی» ایران ارتباط دارند.

مارکو روبیو وزیر خارجه آمریکا با انتشار بیانیه ای با تکرار ادعاهای واشنگتن درباره برنامه هسته‌ای تهران و برغم اذعان نهادهای اطلاعاتی آمریکا مبنی بر اینکه ایران به سمت سلاح هسته‌ای حرکت نکرده است، مدعی شد: «امروز، وزارت امور خارجه، سه شهروند ایرانی و یک نهاد ایرانی مرتبط با سازمان پژوهش‌ها و نوآوری‌های دفاعی ایران، که با نام اختصاری آن سپند (SPND)، سازمان جانشین مستقیم برنامه تسلیحات هسته‌ای ایران پیش از سال ۲۰۰۴ که به نام «پروژه عماد» نیز شناخته می‌شود، تحریم می‌کند.»

وزیر امور خارجه آمریکا در راستای سیاست فشار حداکثری و ادعاهای اثبات نشده واشنگتن، مدعی شد: تمام افراد تحریم‌شده در فعالیت‌هایی مشارکت داشته‌اند که به‌طور ملموس در اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی تاثیر دارند.

این ادعا در حالی است که مقامات جمهوری اسلامی ایران همواره تاکید کرده است سلاح هسته‌ای هیچ جایگاهی در گفتمان سیاسی یا نظامی تهران دارد.

مشاور موقت امنیت ملی دولت ترامپ با ایجاد هراس از برنامه هسته‌ای ایران بدون اشاره به خروج آمریکا در دور اول ریاست جمهوری ترامپ از برجام و نقض تعهداتش مدعی شد: ایران همچنان به‌طور قابل‌توجهی برنامه هسته‌ای خود را گسترش می‌دهد و به انجام تحقیق و توسعه‌های دومنظوره‌ای ادامه می‌دهد که در ساخت سلاح‌های هسته‌ای و سامانه‌های پرتاب آن‌ها کاربرد دارند.

وزیر خارجه آمریکا در حالی چنین ادعاهایی را مطرح کرد که خود اذعان داشت ایران کشور بدون سلاح هسته‌ای است.

روبیو با تکرار ادعاهای پیشین خود را درباره غنی سازی اورانیوم ایران مدعی شد: ایران تنها کشور بدون سلاح هسته‌ای در جهان است که اورانیوم با غنای ۶۰ درصد تولید می‌کند و همچنان از شرکت‌های پوششی وعوامل خرید برای پنهان‌سازی تلاش‌هایش در تهیه اقلام دومنظوره از تامین‌کنندگان خارجی استفاده می‌کند.

وزیر خارجه دولت ترامپ ادعا کرد: اقدامات ایالات متحده با هدف به تأخیر انداختن و تضعیف توانایی سازمان پژوهش‌ها و نوآوری‌های دفاعی برای انجام تحقیق و توسعه سلاح‌های هسته‌ای انجام می‌شود.

مشاور موقت امنیت ملی کاخ سفید مدعی شد: اقدامات امروز نشان‌دهنده تعهد ایالات متحده آمریکا به اطمینان از این است که ایران هرگز به سلاح هسته‌ای دست پیدا نکند.

روبیو همچنین مدعی شد: اقدام وزارت امور خارجه طبق فرمان اجرایی (E.O) ۱۳۳۸۲ انجام شد که گسترش‌دهندگان سلاح‌های کشتار جمعی (WMD) و حامیان آنها را هدف قرار می‌دهد.

پیش از این، تارنمای اداره کنترل دارایی‌های خارجی وزارت خزانه‌داری آمریکا با به روز رسانی فهرست تحریم‌های خود علیه جمهوری اسلامی ایران، تحریم‌های جدیدی علیه سه فرد و نهاد ایرانی وضع کرد و دو فرد ایرانی با نام‌های محمدرضا صدیقی صابر و احمد حقیقت طلب را به فهرست تحریم‌ها اضافه کردند.

دیپلماتیک

تقویت روابط دوجانبه ایران و ژاپن

گروه دیپلماسی: سی و سومین نشست مشورت‌های سیاسی ایران و ژاپن با حضور «مجید تخت روانچی» معاون سیاسی وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران و «هیرویوکی نامازو» معاون سیاسی وزیر امور خارجه ژاپن در تهران برگزار شد. در این نشست، موضوعات روابط دوجانبه و مسائل منطقه‌ای و بین‌المللی مورد بحث و بررسی قرار گرفت.

معاون سیاسی وزیر امور خارجه با اشاره به اهمیت و سابقه طولانی ساز و کار نشست‌های مشورتی ایران-ژاپن، برگزاری منظم این مشورت‌ها را فرصت مغتنمی برای مرور وضعیت روابط دوجانبه در حوزه‌های مختلف و هم‌فکری برای توسعه مناسبات و شناسایی ظرفیت‌ها و زمینه‌های جدید همکاری بین دو کشور دانست و بر آمادگی کشورمان برای تقویت روابط دوجانبه در همه زمینه‌های مورد علاقه طرفین از جمله اقتصادی-تجاری، علمی-فناوری و فرهنگی-مردمی تاکید کرد.

هیرویوکی نامازو اهتمام مقام‌های عالی دو کشور برای حفظ و تقویت مناسبات تاریخی و دوستانه بین دو کشور را ارزشمند دانست و علاقمندی بنگاه‌های اقتصادی ژاپن برای حضور فعال در ایران و ضرورت تلاش برای تسهیل فعالیت آنها را خاطرنشان کرد.

وی ابراز امیدواری کرد از فرصت برگزاری این نشست‌ها برای تعمیق روابط دوجانبه و بهره‌گیری از ظرفیت دیپلماسی فعال دو کشور برای کمک به امنیت و توسعه پایدار در مناطق مختلف قاره آسیا بیش از پیش بهره‌برداری شود.

در این نشست آخرین تحولات مناطق غرب و شرق آسیا و نیز تحولات بین‌المللی مورد بررسی قرار گرفت. معاون سیاسی وزارت امور خارجه با اشاره به ادامه نسل‌کشی در غزه و تجاوزات مکرر رژیم اسرائیل علیه لبنان، سوریه و یمن، بر مسئولیت حقوقی و اخلاقی همه دولت‌ها برای توقف نسل‌کشی و جنایات جنگی رژیم صهیونیستی و جلوگیری از گسترش ناامنی در منطقه غرب آسیا تاکید کرد. روانچی همچنین مواضع جمهوری اسلامی ایران را در خصوص تحولات بین‌المللی و تهدیدهای فزاینده علیه حاکمیت قانون و چندجانبه‌گرایی تشریح کرد. وی همچنین همتای ژاپنی را در جریان آخرین تحولات مرتبط با روند مذاکرات غیرمستقیم ایران-آمریکا و تلاش‌های کشورمان برای مقابله با تحریم‌های ظالمانه و غیرقانونی آمریکا قرار داد.

اتمی

تولید ۷۰ نوع رادیو دارو در ایران

معاون رییس جمهوری و رییس سازمان انرژی اتمی با اشاره به کاربردهای انرژی صلح آمیز هسته‌ای در بخش‌های مختلف درمانی و صنعتی گفت: در زمان حاضر ۷۰ نوع رادیو دارو در کشور تولید و در اختیار مراکز درمانی قرار می‌گیرد.

دکتر «محمد اسلامی» روز سه شنبه در حاشیه آیین تکریم از استادان دانشگاه علوم پزشکی البرز که در دانشکده علوم پزشکی کرج برگزار شد، افزود: این رادیو داروها از طریق ۲۳۰ مرکز درمانی برای درمان بیماران استفاده می‌شود.

وی اظهار کرد: اکنون حدود ۸۵ هزار پرتوکار در ۶ هزار و ۵۰۰ مرکز پزشکی هسته‌ای کشور به بیماران خدمات ارائه می‌دهند.

اسلامی گفت: امروز فناوری هسته‌ای قوت و ثروت ملت ایران است و قابل مذاکره نیست چرا که این ملت برای به دست آوردن آن بهای سنگینی پرداخت کرده است .

وی افزود: مسیر دانش هسته‌ای ایران شفاف و صلح آمیز است و جهانیان می‌دانند که ما هدفی جز اهداف صلح آمیز از این فناوری دنبال نمی‌کنیم.

اسلامی با اشاره به راه اندازی مرکز پلاسما درمانی در استان البرز خاطرنشان کرد: این مرکز با همکاری سازمان انرژی اتمی و دانشگاه علوم پزشکی این استان برای درمان زخم‌های دیابت راه اندازی شده که تجربه موفقی بوده است .

وی تاکید کرد: امروز کلید پیشرفت کشور در حوزه علوم به ویژه فناوری هسته‌ای است؛ نقش انرژی هسته‌ای در تولید برق و فعالیت‌های صنعتی در کشور بسیار حائز اهمیت است و این دانش در بخش‌های پزشکی و زیست محیطی دارای ظرفیت‌های فراوانی است.

«فارن افرز» به کاخ سفید توصیه کرد

معادله ویژه تهران در سفر ترامپ به خلیج فارس

دونالد ترامپ، رئیس جمهور ایالات متحده، ساعتی قبل تور سه ایستگاهی خود به منطقه غرب آسیا را با سه مقصد مشخص و اعلام شده قطر، عربستان سعودی، و امارات متحده عربی آغاز کرده است. این سفر به دلیل زمان وقوع آن مورد توجه رسانه‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار گرفته است.

«فارن افرز» در نوشتاری تفصیلی به بررسی ابعاد متفاوت این سفر پرداخته و می‌نویسد: هنوز مشخص نیست که ترامپ امیدوار است در جریان این سفر به چه چیزهایی دست پیدا کند. او ممکن است به دنبال تضمین معاملات تسلیحاتی و سرمایه گذاری در ایالات متحده باشد. او ممکن است امیدوار باشد که شخصا از طریق سرمایه گذاری در خلیج فارس در املاک ترامپ، صندوق‌های سرمایه گذاری و ارزهای دیجیتال خود را ثروتمند کند. اما بسیاری امیدوارند و دیگران نگران هستند که او جاه طلبی‌ها و برنامه‌های بزرگتری داشته باشد. به ویژه، به نظر می‌رسد که سفر او بیشتر در مورد ایران باشد، کشوری که دولت او با آن در رابطه با برنامه هسته‌ای خود مذاکراتی انجام داده است. با این حال، به دلیل ماهیت نامنظم دولت ترامپ و اختلافات داخلی بین مشاوران کلیدی او، سفر او می‌تواند هم زمینه برای جنگ با ایران را فراهم کند و هم فرصتی تازه به دیپلماسی بدهد.

آیا دونالد ترامپ، جو بایدن دوم است؟

رهبران کشورهای عربی خلیج فارس به انتخاب مجدد ترامپ امیدوار بودند. آنها در دوره اول ترامپ عملکرد خوبی داشتند و علاقه کمی به جو بایدن، رئیس جمهور ایالات متحده داشتند. (همین امر در مورد اکثر مردم عادی در کشورهای عربی نیز صادق بود که بایدن را به خاطر نابودی غزه توسط اسرائیل سرزنش می‌کردند.

محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان سعودی، که با نام محمد بن سلمان نیز شناخته می‌شود، هرگز بایدن را به خاطر «منفور» خواندن عربستان به دلیل ترور جمال خاشقجی، روزنامه نگار، نمی‌بخشد. محمد بن سلمان در طول سال‌های حضور بایدن در کاخ سفید روابط نزدیکی با ترامپ و همکارانش داشت و رابطه با بایدن را صرفا با این چشم انداز که عربستان سعودی ممکن است روابط خود را با اسرائیل عادی کند، همراهی می‌کرد.

حالا ۱۰۰ روز پس از دولت دوم ترامپ، رهبران کشورهای منطقه نیز مانند فرامنطقه گیج و نگران هستند. سیاست‌های ترامپ در خاورمیانه شبیه به بایدن است، که با توجه به اینکه دولت جدید تا چه حد به سمت تغییر دولت فدرال و تغییر اتحادهای اصلی ایالات متحده حرکت کرده است، تعجب آور است.

به عنوان مثال، سیاست‌های ترامپ در قبال غزه و یمن، اساسا نسخه‌های وحشیانه تر و کمتر کنترل شده از آنچه بایدن دنبال کرده بود، است.

اما شاید این نکته نیز تعجب آور نباشد. پس از جایگزینی ترامپ در سال ۲۰۲۱، بایدن تقریبا تمام سیاست‌های ترامپ در خاورمیانه را ادامه داد و بر تمدید پیمان ابراهیم ترامپ (مجموعه ای از توافقات عادی سازی روابط بین اسرائیل و تعدادی از کشورهای عربی) تمرکز کرد، در حالی که به توافق هسته‌ای ایران که ترامپ از آن خارج شده بود، بازنگشت، از پیگیری صلح اسرائیل و فلسطینیان خودداری کرد، و از اولویت دادن به حقوق بشر در مسائل پرهیز کرد.

تفاوت این دو رئیس جمهور در سبک و قابل پیش بینی بودن است. بایدن و تیمش قابل اعتماد و آشنا بودند، در حالی که رهبران منطقه می‌دانند که ترامپ می‌تواند بدون هشدار نظر خود را تغییر دهد.

آنها نگران هستند که تعرفه‌های ترامپ می‌تواند باعث رکود جهانی شود که به فروش نفت و کشتیرانی که از دریای سرخ و کانال سوئز عبور می‌کنند آسیب برساند.

آنها می‌ترسند که قطع کمک‌های خارجی توسط ترامپ می‌تواند دریافت کنندگان آن مانند اردن را بی ثبات کند. اظهارات عجیب و غریب او در مورد غزه رهبران کشورهای عربی را آشفته کرده است. مهمتر از همه، آنها نمی‌دانند که آیا او راه را برای دیپلماسی واقعی با ایران هموار می‌کند یا فقط به شکل موقت به دیپلماسی نمایشی فرصتی داده تا دست خود را برای توجیه جنگ بازنگاه داشته باشد.

ترامپ و تلاش برای فرار از اشتباهات دولت اول

در ادامه مطلب فارن افرز آمده است: به نظر می‌رسد تصمیم به دیدار با هر سه قدرت پیشرو عربی در خلیج فارس و نه فقط عربستان سعودی برای جلوگیری از شائبه هرگونه اختلاف افکنی طراحی شده است.

در سال ۲۰۱۷، ترامپ از عربستان سعودی بازدید کرد و پس از بازگشت، پیامی در توییتر در حمایت از منزوی کردن قطر منتشر کرد و به عربستان سعودی همراه با بحرین، مصر و امارات چراغ سبز نشان داد تا محاصره قطر را به عنوان مجازات حمایت از گروه‌های اسلامگرا آغاز کنند. این محاصره، شورای همکاری خلیج فارس را تقسیم کرد و به جنگ نیابتی و رقابت سیاسی در سراسر منطقه دامن زد. در آن زمان این سیاست ترامپ باعث نزدیک شدن دوحه به تهران شد، زیرا قطر را مجبور کرد برای تجارت و دسترسی آزاد به سایر نقاط به ایران وابسته شود. محاصره قطر به محض روی کار آمدن بایدن پایان یافت، زیرا رهبران منطقه به دنبال همسویی با اولویت‌های رئیس جمهور جدید بودند و البته این بار به نفع کل منطقه.

پیش از سفر ترامپ، اولین سفر خارجی در دوره دوم ریاست جمهوری او، تا حد زیادی بر اقتصاد متمرکز بوده است. ترامپ امیدوار است که یک قرارداد تسلیحاتی ۱۰۰ میلیارد دلاری با عربستان سعودی امضا کند و سرمایه گذاری‌های کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس در اقتصاد آمریکا را تشویق کند. سعودی‌ها هم مشتاق هستند که به عنوان شرکای اقتصادی آمریکا دیده شوند.

پس از انتخاب ترامپ، محمد بن سلمان سرمایه گذاری ۶۰۰ میلیارد دلاری عربستان سعودی را در ایالات متحده مطرح کرد. در واقع، هر گونه تعهد عربستان سعودی بیشتر برای نمایش خواهد بود، زیرا پادشاهی با کاهش قیمت نفت و تقاضاهای اقتصادی داخلی دست و پنجه نرم می کند و به ندرت به چنین وعده‌هایی عمل می کند.

ترامپ همچنین ممکن است منافع شخصی خود را در نظر داشته باشد. به گزارش نیویورک تایمز، کسب و کارهای خانوادگی ترامپ میلیون‌ها دلار از معاملات با شرکت‌های مرتبط با دولت‌های امارات، قطر و عربستان سعودی به دست آورده اند.

ترامپ همچنین ممکن است از این سفر برای متقاعد کردن کشورهای خلیج فارس برای پایین نگاه داشتن قیمت نفت استفاده کند. در طول سال‌های ریاست جمهوری بایدن، عربستان سعودی نشان داد که علاقه ای به استفاده از سیاست‌های نفتی خود برای کمک به ایالات متحده ندارد.

در واقع، ریاض، همراه با بقیه اعضای اوپک+، کاخ سفید را با کاهش تولید که قیمت بنزین را بالا نگاه داشت و به ضرر سیاسی بایدن و افزایش درآمد نفتی روسیه در میانه جنگ اوکراین بود، خشمگین کرد. اما تداوم قیمت پایین نفت برای ریاض خطرناک است که برای حفظ بودجه و برنامه‌های تند و تیز توسعه خود به درآمد بیشتری نیاز دارد.

جنگ یا صلح؛ گزینه ترامپ کدام است؟

سفر ترامپ سیاست‌های منطقه‌ای را نیز در بر خواهد گرفت، اگرچه اهداف او در این زمینه بسیار کمتر روشن است. دولت‌های عربی مطمئن نیستند که آیا ایالات متحده از آنها خواهد خواست تا برای جنگ یا برای صلح با ایران آماده شوند. این عدم قطعیت غیرعادی است. بخشی از مشکل این است که دولت ترامپ که با کمبود پرسنل و ناکارآمدی مواجه است، موضع گیری‌های متناقضی داشته است. این واقعیت که ترامپ مایکل والتز را در آستانه این سفر از سمت خود به عنوان مشاور امنیت ملی برکنار کرد، هرچند مهم اما در حقیقت اقدامی نمادین است.

والتز از نزدیک با بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم اسرائیل، در مورد برنامه‌های اقدام نظامی علیه ایران و پیشبرد رویکرد نظامی تهاجمی به حوثی‌ها در یمن هماهنگ بود. رهبران خلیج فارس به این فکر افتاده اند که آیا تنزل رتبه والتز نشان دهنده تغییر در سیاست ایالات متحده است یا صرفا نشانه ای از هرج و مرج در دولت است.

البته مهم ترین مسئله، ایران است. هنگامی که ترامپ در سال ۲۰۱۷ از عربستان سعودی دیدار کرد، رهبران عربستان سعودی و امارات مشتاق بودند که دیپلماسی دوران اوباما را کنار بگذارند و رویکردی تقابلی تر در قبال جمهوری اسلامی ایران اتخاذ کنند. اما نگرش آنها از آن زمان تغییر کرده است.

در سال ۲۰۱۹، به یک پالایشگاه نفت در داخل خاک عربستان حمله شد و به طور موقت عرضه نفت جهان را شش درصد کاهش داد. دولت ترامپ با تصمیم به عدم پاسخ دادن به این حمله با استفاده از نیروهای آمریکایی حاضر در منطقه، رهبران خلیج فارس را که استراتژی امنیتی آنها مدت‌ها بر تضمین‌های آمریکا استوار بود، شوکه کرد.

ایالات متحده همچنین با واکنش محدود به حمله حوثی‌ها به ابوظبی در سال ۱۴۰۱، رهبران خلیج فارس را ناامید کرد.

نویسنده این مطلب در ادامه ادعا می کند که مجموعه اتفاق‌های رخ داده در منطقه در آن سالها به کشورهای خلیج فارس یادآوری کرد که آنها اولین هدف ایران در یک جنگ منطقه ای خواهند بود و البته تا حد زیادی در این مقوله تنها خواهند بود.

صلح با ایران؛ گزینه مطلوب کشورهای عربی خلیج فارس

در حالی که به نظر می رسد اسرائیل مشتاق حمله ایالات متحده به ایران است، کشورهای خلیج فارس به عنوان یک گروه ضد جنگ ظاهر شده اند.

در چند سال گذشته، ریاض با میانجیگری چین به یک نزدیکی آرام به ایران دست زده است، دیپلماسی را از سر گرفته و تلاش کرده تا از تشدید تنش منطقه ای جلوگیری کند. رهبران خلیج فارس مانند اسرائیل نیستند که تصور کنند در جنگ با ایران برنده و حتی در اینصورت منافع آنها هم تامین خواهد شد.

اگر ترامپ وارد جنگ با ایران شود، کشورهای خلیج فارس خواستار جبران خسارت خواهند شد و احتمالا خواستار تضمین‌های استراتژیک جدی خواهند بود، مانند یک معاهده دفاعی رسمی، همانطور که در دولت بایدن برای سعودی‌ها ارائه شد، شامل فروش تسلیحات و سایر پرداخت‌های جانبی در ازای حمایت علنی از رویکرد جدید آمریکا.

ترامپ، با وجود تمام لفاظی‌های جنگ طلبانه و تشدید تنش‌های نظامی، همیشه عمیقا نسبت به ورود به یک جنگ بزرگ دیگر در خاورمیانه تردید داشته است. او بیشتر جنگ طلبان ایران را از دولت اول خود کنار گذاشته و به یک فرستاده خود به نام استیو ویتکاف با مأموریت مذاکره بر سر توافق هسته‌ای جدید با تهران اختیار کامل داده است.

نویسنده در ادامه ادعا می‌کند که از آنجا که چنین توافقاتی نیاز به کار پر زحمت و صبر زیادی دارد، بعید است که دولت ترامپ بتواند آن را انجام دهد. برخی از مقامات دولت ترامپ از پایان کامل غنی سازی اورانیوم ایران حمایت کرده اند، موضعی که عملا شکست مذاکرات را تضمین می کند. (تهران تاکید دارد که به عنوان عضو ان‌پی‌تی حق انجام غنی سازی در داخل خاک خود را دارد و این موضوع را از خطوط قرمز غیرقابل عدول اعلام کرده است.) اگر مذاکرات با ایران شکست بخورد، می تواند راه را برای درگیری هموار کند که ترامپ ادعا می کند نمی خواهد. اما ترامپ تاکنون حتی با وجود مخالفت‌های اسرائیل، به دیپلماسی پایبند بوده است. توافق جدید با ایران راه درازی را در جهت ایجاد ثبات در منطقه و کاهش خطر جنگ طی خواهد کرد.

دولت‌های عربی مطمئن نیستند که آیا ایالات متحده از آنها خواهد خواست تا برای جنگ یا برای صلح با ایران آماده شوند؛ این عدم قطعیت غیرعادی است

اما و اگرهای پیمان ابراهیم در دولت دوم ترامپ

ترامپ پیمان ابراهیم را یکی از بزرگترین دستاوردهای دیپلماتیک دوره اول ریاست جمهوری خود می داند. شکی نیست که او دوست دارد پیوستن عربستان سعودی به این روند را در طول سفر خود اعلام و ادعا کند که او به چیزی دست یافته که بایدن نتوانست. اگر جنگ غزه نبود، محمد بن سلمان احتمالا موافقت می کرد که به عنوان ماه عسل برای دولت دوم ترامپ عادی سازی روابط با اسرائیل را جشن بگیرد.

اما تلفات وحشتناک روزانه حمله اسرائیل به غزه، عادی سازی روابط را دشوار می کند. تلفات فلسطینی‌ها برای افکار عمومی در جهان عرب بسیار مهم است.

کشتار غزه تأثیر مخربی بر درک اعراب از اسرائیل و ایالات متحده داشته و بدون شک قیمت درخواست محمد بن سلمان برای توافق را نزد افکار عمومی عربستان افزایش داده است. او احتمالا به تضمین امنیتی رسمی ایالات متحده، دریافت تسلیحات، و پیشرفت روند فعلی به سمت به رسمیت شناختن یک کشور فلسطینی برای امضای توافقنامه عادی سازی روابط با اسرائیل نیاز دارد. البته همه اینها در شرایطی پیش شرط محسوب می شوند که اساسا ولیعهد جوان سعودی قصد چنین عادی سازی را داشته باشد. البته با توجه به اینکه ترامپ تعهد ایالات متحده به متحدان و شرکای خود را زیر سوال برده، ممکن است تضمین‌های ایالات متحده کافی نباشد.

رهبران عرب نگران پایان بازی اسرائیل (و ترامپ) برای غزه و کرانه باختری هستند. در ماه فوریه، ترامپ پیشنهاد کرد که «به طور موقت» بیش از دو میلیون فلسطینی را که در غزه زندگی می کنند اخراج کند و آنها را در جاهای دیگر (احتمالا مصر و اردن) اسکان دهد تا بتواند این سرزمین را به «ریویرای خاورمیانه» تبدیل کند.

طرح او اکثر رهبران عرب را وحشت زده و ترساند، نه فقط به دلایل بشردوستانه، بلکه به این دلیل که هجوم گسترده ای از ساکنان غزه هر کشور عربی را که آنها را بپذیرد، بی ثبات می کند. قطر نگران است که این کشور ممکن است به سپر بلا برای مذاکرات شکست خورده بین اسرائیل و حماس تبدیل شود. امارات متحده عربی نگران است که واشنگتن بودجه بازسازی غزه را به عهده بگیرد. همه دولت‌های عربی نگران این هستند که جنگ بی پایان مردم خود را رادیکال کند.

نتانیاهو تهدید کرده است که اگر تا ۱۵ مه توافق آتش بس حاصل نشود، غزه و ساکنان آن را نابود خواهد کرد. با دیدار با ترامپ در آستانه مبارزات انتخاباتی درون اسرائیل، دولت‌های عربی این خطر را به جان خریده اند که نزد افکار عمومی جهان عرب و اسلام همدست اسرائیل و آمریکا در نابودی غزه به نظر برسند. البته آنها همچنین امیدوارند که بر رئیس جمهوری تأثیر بگذارند که اغلب به نظر می رسد تحت تأثیر آخرین کسی است که با او صحبت می کند.

رهبران عرب همچنین نگران گسترش تهاجمات اسرائیل به سوریه هستند. اسرائیل یک منطقه حائل بزرگ در جنوب غربی سوریه را تصرف کرده و صدها مکان در این کشور را از ماه دسامبر، زمانی که عمر دولت بشار اسد به پایان رسید، بمباران کرده است.

اکثر کشورهای عربی، حتی آنهایی که عمیقا نسبت به اسلام گرایان مشکوک هستند، به امید ایجاد ثبات در کشوری که در ۱۳ سال جنگ داخلی از هم پاشیده است، به حمایت از دولت جدید در سوریه متمایل شده‌اند. بسیاری از دولت‌های عربی از رژیم جدید در سوریه حمایت مالی کرده اند و رئیس جمهور جدید سوریه، احمد الشرع، در نشست آتی نشست سران عربی شرکت خواهد کرد. رهبران عرب می خواهند بدانند که آیا واشنگتن سوریه ای را ترجیح می دهد که تحت رژیمی به رهبری جهادی‌های سابق، باثبات و متحد باشد یا خشن و تقسیم شده باشد.

پایان جنگ غزه؛ ضامن پایداری هرگونه توافق با تهران

نویسنده در نتیجه گیری این نوشتار می نویسد: احتمال زیادی وجود دارد که ترامپ در این دیدار خود به غیر از امضای چند معامله تسلیحاتی، دستاورد چندانی نداشته باشد. اما او باید هدف بزرگ‌تری را برای خود تعریف کند. او باید از این فرصت استفاده کند و قصد روشن خود را برای دستیابی به توافق هسته‌ای و سیاسی با ایران بیان کند. چنین توافقی ایران را در چشم انداز جدیدی از نظم منطقه ای قرار می دهد.

در حال حاضر یک توافق که خطر جنگ اسرائیل با ایران را کاهش دهد به خوبی با روحیات و فضای جاری در منطقه همسو است. فضایی که در آن یک موضوع محور اصلی و قابل پیگیری است؛ عادی سازی روابط ایران با خلیج فارس.

اگر ترامپ به توافقی دست یابد که چیزی بیش از برنامه هسته‌ای ایران را پوشش دهد، می تواند ادعا کند که به توافقی بهتر از باراک اوباما، رئیس جمهور ایالات متحده دست یافته است. نویسنده این مطلب در ادامه به وجود تناقض در سیاستهای ترامپ نسبت به ایران اشاره کرده و می گوید: همزمان سیاست توسل به دیپلماسی ترامپ در قبال ایران با حمایت کامل از کارزارهای نظامی اسرائیل همراه شده است. به نظر می رسد دولت او برنامه اسرائیل برای بازسازی نظم منطقه ای با استفاده از نیروی نظامی را می پذیرد.

نویسنده با ایجاد ارتباط میان پایداری توافق با ایران و برقراری ثبات نسبی در منطقه و جنگ غزه می نویسد: یک توافق جدید با ایران باید بر یک نظم منطقه ای بازآرایی شده استوار باشد که باید حداقل شامل آتش بس پایدار در غزه، ارسال قابل توجه کمک‌های بشردوستانه به این قلمرو و مسیری قابل قبول به سوی یک کشور فلسطینی باشد.

حمایت از کاهش جمعیت در غزه و الحاق غزه توسط اسرائیل، افکار عمومی را در خاورمیانه به گونه ای ملتهب می کند که توافق هسته‌ای ایران نمی تواند آن را آرام کند. اگر ترامپ واقعا می خواهد چرخه بی پایان شکست سیاست آمریکا در خاورمیانه را بشکند، پس این سفر خلیج فارس زمان مناسبی برای شروع خواهد بود.

اکونومیک

افزایش صادرات ایران به قزاقستان

صادرات جمهوری اسلامی ایران به قزاقستان در سال ۱۴۰۳ براساس گزارش‌های اعلام شده رشد ۲۷ درصدی داشته است. سفارت کشورمان در آستانه به نقل از گمرک جمهوری اسلامی ایران اعلام کرد که صادرات کشورمان به قزاقستان در سال ۱۴۰۳ با رشد ۲۷ درصدی نسبت به سال گذشته همراه بوده است. میزان صادرات کشورمان به جمهوری قزاقستان برابر با ۲۷۸ میلیون دلار بوده است که نسبت به مدت مشابه در سال گذشته رشد ۲۷ درصدی داشته است. همچنین واردات کشورمان از جمهوری قزاقستان برابر با ۶۱ میلیون دلار بوده است. این مساله نشان می‌دهد اراده دولت‌های دو کشور بر گسترش همکاری‌های تجاری است.

خاورمیانه

جزئیات دورزدن اسرائیل در آزادی اسیر آمریکایی

دو مقام صهیونیست، یک مقام فلسطینی و یک مقام آمریکایی به آکسیوس گفتند، مذاکرات پشت پرده که منجر به آزادی عیدان الکساندر، زندانی دو تابعیتی صهیونیستی-آمریکایی شد، با پیامی از یک مقام حماس به «بشار بحبح»، رهبر سابق «آمریکایی‌های عرب‌تبار طرفدار ترامپ»، آغاز شد.

آکسیوس در گزارشی می‌نویسد: حماس به دنبال راهی برای متقاعد کردن دونالد ترامپ، رئیس جمهور آمریکا برای اعمال فشار بیشتر بر اسرائیل بود و تیم ترامپ مصمم به آزادی آخرین آمریکایی زنده در بند در غزه بود. بشار بحبح، یک تاجر فلسطینی-آمریکایی که به ترامپ کمک کرد تا در سال ۲۰۲۴ در میان رای‌دهندگان عرب تبار آمریکایی نفوذ کند، به یک واسطه غیرمنتظره در آزادی این اسیر اسرائیلی تبدیل شد.

یکی از مقام‌های حماس خارج از غزه با بحبح اواخر آوریل و به امید گفت‌وگو با استیو ویتکاف، فرستاده ویژه ترامپ در منطقه تماس گرفت.

یک مقام ارشد صهیونیست به آکسیوس گفت که اجرایی شدن این کانال ارتباطی پنهانی زمان زیادی برد، اما هفته گذشته شتاب بیشتری گرفت. حدود ۲۰ پیام بین دو طرف به صورت متن و تماس صوتی برای ارتباط برقرار کردن با این تاجر عرب تبار حامی ترامپ طی دو هفته رد و بدل شد. بحبح همچنین با خلیل الحیه، مذاکره‌کننده ارشد حماس هم صحبت کرد.

ویتکاف با کمک مقام‌های قطری و بحبح در نهایت حماس را متقاعد کرد که آزادی الکساندر به چشم ترامپ خیلی بزرگ و ارزشمند دیده می‌شود.حدود ساعت ۲۲ به وقت دوحه، قطر روز یکشنبه، حماس رسما الکساندر را آزاد کرد.

ویتکاف با والدین این جوان صهیونیستی-آمریکایی تماس گرفت و خبر آزادی او را داد.

دو مقام اسرائیلی به آکسیوس گفتند که اسرائیل از مذاکرات محرمانه درباره الکساندر، نه از جانب کاخ سفید، بلکه از طریق سرویس‌های اطلاعاتی خود مطلع شد.

وقتی که «رون درمر»، دست راست بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر رژیم صهیونیستی اواخر روز پنجشنبه در واشنگتن بود، مقام‌های آمریکایی به آن کانال مخفی اشاره‌ای نکردند. درمر خودش این مساله را با ویتکاف مطرح کرد.

ویتکاف به درمر گفت که مذاکرات در حال انجام است، اما تصریح کرد که اسرائیل در ازای آزادی الکساندر چیزی نخواهد داد و حماس هنوز موافقت خود را اعلام نکرده است.

آزادی الکساندر پیش از این در محور مذاکرات بی‌سابقه و مستقیم بین آدام بوهلر، فرستاده ویژه ترامپ در امور گروگان‌ها و رهبران حماس در قطر در ماه مارس قرار داشت.

اسرائیل هم‌چنین از طریق سرویس‌های اطلاعاتی خود درباره مذاکرات محرمانه متوجه شده بود. در آن زمان، ترامپ به دنبال توافقی برای آزادی الکساندر پیش از سخنرانی سالانه خود بود و حماس هم می‌خواست ۲۵۰ اسیر از بند رژیم صهیونیستی در ازای آزادی این جوان صهیونیستی-آمریکایی آزاد شوند.

اما آن مذاکرات سه ساعت پیش از سخنرانی ترامپ به بن بست خورد و تا روز یکشنبه، مشاوران ترامپ معتقدند که دستیاران نتانیاهو بودند که با درز آن مذاکرات به رسانه‌ها، آن را خراب کردند.

ویتکاف سه هفته بعد پیشنهاد مشابهی را مطرح کرد که بر اساس آن حماس، الکساندر را آزاد می‌کرد و ترامپ علنا خواستار آتش‌بس موقت و مذاکره برای یک توافق جامع می‌شد. حماس این پیشنهاد را نپذیرفت.

در طول چند هفته بعد، رژیم صهیونیستی حملاتش علیه غزه را با حملات هوایی افزایش داد و به محاصره ورود تمامی کمک‌های بشردوستانه به این باریکه ادامه داد.

۲۲ آوریل، محمد بن عبدالرحمان آل ثانی، نخست وزیر قطر به کاخ سفید رفت و با ویتکاف و ترامپ دیدار کرد.

وی پیشنهاد مورد حمایت حماس را برای یک توافق جامع به منظور آزادی تمامی اسرا و پایان جنگ مطرح کرد اما پیام آمریکا این بود که یک توافق جزئی کوتاه‌مدت تنها گزینه موجود است.

وقتی نخست وزیر قطر به دوحه برگشت، به حماس نتیجه را اطلاع داد و آنها را تشویق کرد تا اقدامی انجام دهند که بتواند موضع ترامپ را تغییر دهد.

در روزهای بعد، مقام حماس با بشار بحبح تماس گرفت.

پشت صحنه

ویتکاف روز یکشنبه، در حالی که در مسقط با وزیر امور خارجه ایران در مورد توافق هسته‌ای احتمالی مذاکره می‌کرد، تلفنی با نخست‌وزیر قطر نیز صحبت کرد تا حماس را برای امضای این توافق تحت فشار قرار دهد.

به گفته یک مقام فلسطینی، دولت ترامپ به حماس گفته است که اگر الکساندر آزاد شود، ایالات متحده در ازای آزادی ۱۰ گروگان، برای آتش‌بس ۷۰ تا ۹۰ روزه که طولانی‌تر از پیشنهادهای قبلی است، تلاش خواهد کرد.

این مقام در مورد این پیشنهاد گفت که مذاکرات بر سر توافق نهایی نیز در طول آتش‌بس آغاز خواهد شد و ایالات متحده، قطر و مصر تضمین خواهند کرد که تا زمانی که آنها ادامه دهند، جنگ از سر گرفته نخواهد شد. طرف آمریکایی این جزئیات را تایید نکرده است.